

ارائه الگوی تربیت دینی از آموزه‌های نهج البلاغه

سید محمدرضا حسینی^۱ | سید محمدرضا رشیدی آل هاشم^۲

۳۱

سال پانزدهم

بهار و تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱/۲۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۴/۱۱

صص: ۳۷-۱

شاپا چاپ: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



چکیده

تربیت دینی در نهج البلاغه به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی برای پرورش انسان در ساحت‌های رشد و پیشرفت بر مدار اخلاق، انسانیت و انتظار در راستای انتظارات دین در خدایی شدن و فاصله از پلیدی‌ها و شیطانی شدن و بودن است. هدف از پژوهش حاضر ارائه الگوهای تربیت دینی از منظر و نگاه کتاب شریف نهج البلاغه است. روش پژوهش در این مقاله تحلیل محتوی کمی و کیفی بود که مفاهیم مرتبط با تربیت، در جنبه‌های فردی و اجتماعی از درون خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، شناسایی شدند ابتدا فراوانی مفاهیم و درصد آن‌ها و وزن‌های آن‌ها در جدول‌هایی ارائه شد و سپس این مفاهیم تحلیل محتوی کیفی شدند و در آخر مفاهیم استخراج شده در مدل‌هایی ارائه شدند و روش داده بنیاد و نظریه بنیادی در این پژوهش اجرا شده است و مدل به دست آمده مدلی کیفی بوده است و اشباع نظری برای بسندگی مفاهیم مدنظر بوده است.

کلیدواژه‌ها

تربیت، تربیت دینی، دانشجویان، نهج البلاغه

۱. مدرس و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)

۲. نویسنده مسئول: دانشیار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)

مقدمه

در میان آفریده‌های خداوند، انسان تنها موجودی است که نیروی اندیشه و اختیار دارد و برای برخورداری از این نیروها، وظیفه‌ها و دستورهایی به او داده شده است که می‌بایست با تلاش و عمل به آن وظیفه‌ها، به سرمنزل مقصود کمال نهایی که قرب الی الله است برسد. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد!» (قرآن، انشقاق ۸۴/۶) برای رسیدن به این هدف می‌بایست در مسیر تربیت درست قرار گرفته باشد تا دچار ضلالت و گمراهی نگردد؛ و تربیت درست، تربیتی است که به شیوه‌ای با سرچشمه وحی ارتباط داشته و یا از تشعشع‌های پربرکت آن بهره برده باشد و پیروی از حکم خداوند از انسان موجودی پویا سازنده و روبه‌پیشرفت در همه بعدها و زمینه‌ها به‌ویژه بعد تربیتی می‌سازد. خداوند در قرآن کریم، عالی‌ترین هدف بعثت پیامبران را تعلیم ذکر نموده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!» (قرآن، جمعه ۶۲/۲) پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) نیز هدف از بعثت خود را مکارم اخلاق بیان کرده‌اند: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ همانا من برای تکمیل والایی‌های اخلاقی برانگیخته شدم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۷۳).

حدیث‌ها و سیره هر یک از امام‌های معصوم (علیهم السلام) به‌نوبه خود یک الگوی تربیتی به شمار می‌آیند. در این میان امام علی (علیه السلام) به‌عنوان کسی که از کودکی در دامن بهترین مربی یعنی پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) تربیت یافته است یک الگوی تربیتی درخشان به شمار می‌آید که می‌توان به آن تأسی نمود. نهج‌البلاغه که دربردارنده خطبه‌ها، نامه‌ها و کلام کوتاه ایشان است و همچنین سیره ایشان هم در دوران خلافت و هم در دورانی که خلافت از ایشان

غصب گردید سرشار از مسئله‌ها و نکته‌های تربیتی است که می‌بایست سرلوحه مریان در امر تربیت قرار گیرد. دانشگاه نظامی مورد مطالعه محل آموزش و تربیت عموم شاغلان و افراد تازه استخدام در نیروی نظامی است و باید بتواند در آموزش‌های خود الگوی دینی مناسبی برای تربیت این افراد به کار بندد.

منظور از معرفی الگوی تربیت دینی نهج‌البلاغه در موضوع پژوهش، روش‌های تربیت دینی مورد اشاره امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که در طول دوران حیات با برکت حضرت بیان داشته‌اند

تربیت، محوری‌ترین رکن آموزش در مورد مطالعه است و یکی از برجسته‌ترین الگوهای تربیتی، رویکردهای دینی و برخاسته از آیه‌های قرآن و حدیث‌های امام‌های معصوم (علیهم السلام) است. بر همین پایه در این پژوهش، الگوی تربیتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان رویکرد پایه، مد نظر قرار گرفته است. پس سؤال اصلی پژوهش ما چنین طرح می‌شود. الگوی تربیت دینی مناسب یک بر پایه کلام امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه چگونه می‌تواند باشد؟

اهداف پژوهش

هدف اصلی

معرفی الگوی تربیت دینی از آموزه‌های نهج‌البلاغه در تربیت دینی

اهداف فرعی

معرفی الگوی تربیت دینی از آموزه‌های نهج‌البلاغه در تربیت فردی
معرفی الگوی تربیت دینی از آموزه‌های نهج‌البلاغه در تربیت اجتماعی

مبانی نظری

اهداف پژوهش

هدف اصلی

معرفی الگوی تربیت دینی از آموزه‌های نهج‌البلاغه در تربیت دینی

اهداف فرعی

معرفی الگوی تربیت دینی از آموزه‌های نهج‌البلاغه در تربیت فردی
معرفی الگوی تربیت دینی از آموزه‌های نهج‌البلاغه در تربیت اجتماعی

۲- ادبیات پژوهش

۱-۲-۱-۲ تعریف مفاهیم

۲-۱-۱-۲ تربیت

تعریف نظری: تربیت عبارت است از پرورش دادن، استعدادهای درونی بالقوه در یک چیز و به انجام رساندن و پروراندن، پس تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان است. (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۵۱)

تعریف عملیاتی: تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عامل‌هایی برای به انجام رساندن، رشد و شکوفایی همه استعدادهای بالقوه انسان.

۲-۱-۲-۲ دین

تعریف نظری: دین عبارت است از نظام اعتقادی، عملی و اخلاقی به هم پیوسته‌ای که از جانب خدا بر پیامبران وحی شده است تا مردم را بر آن پایه، ارشاد و راهنمایی نمایند. (باهر، ۱۳۶۱: ۷۰)

تعریف عملیاتی: دین عبارت از عقیده‌ها و دستورهای عملی و اخلاقی است که پیغمبران از سوی خدا برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند، دانستن این عقیده‌ها و انجام این دستورها موجب خوشبختی انسان در دو جهان است.

۲-۱-۳-۲ تربیت دینی

تعریف نظری: تربیت دینی عبارت است از فراهم کردن زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسان و آشکارسازی آن در عمل عبادی وی؛ بنابراین، تربیت دینی، فرایندی برای رسیدن متربی به توحید است؛ پس می‌توان گفت: هدف اصلی تربیت دینی، موحد شدن متربی است (ابوطالبی، ۱۳۸۳: ۲۴).

تعریف عملیاتی: تربیت دینی عبارت است از جنبه ویژه‌ای از تربیت که فرد را به وظیفه‌های دینی و آداب شرعی آشنا می‌سازد و او را به خودشناسی و خداشناسی می‌رساند.

۲-۱-۴- اخلاق

تعریف نظری: بحث از چیستی علم اخلاق و اخلاق حرفه‌ای منوط به روشن شدن معنا و مفهوم اخلاق است. واژه «اخلاق» جمع خُلُق و خُلُق است که آن را به معنای «سجیه»، «طبع»، «دین» و «مُرُوت» می‌آورند (الزبیدی، ۱۴۱۴ ق: ۳۳۷). شماری نیز آن را به معنای «عادت»، «خوی»، «مزاج» و «طبیعت» می‌دانند (الفراهیدی، ۱۴۱۴ ق: ۵۲۲). در تعریف اخلاق، ابن مسکویه آن را حالتی برای نفس دانسته که سبب انجام افعال بدون فکر و رویه‌ای می‌شود (ابن مسکویه، ۱۴۱۱ ق: ۵۱).

تعریف عملیاتی: اخلاق عبارت از هرگونه ویژگی نفسانی است که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ چه آن صورت نفسانی به صورت پایدار و راسخ باشد و چه به صورت ناپایدار و غیرراسخ و چه از روی تأمل و اندیشه صادر شود یا بدون تفکر و تأمل.

۲-۱-۵- تربیت اخلاقی

تعریف نظری: تربیت اخلاقی، فرآیند زمینه‌سازی و به کارگیری شیوه‌هایی برای شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از میان بردن صفات، رفتارها و آداب غیراخلاقی در خود انسان یا دیگری است. (حاجی بابائیان امیری، ۱۳۹۱: ۲۲)

تعریف عملیاتی: تربیت اخلاقی عبارت است از برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی برای دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و روی آوردن به اخلاق حسنه برای رسیدن به سعادت و کمال جاودانه.

۲-۱-۶- تربیت فردی: تربیت فردی یعنی ایجاد روحیه و انگیزه‌های خدمت در همه‌ی نظامی‌های جدیدالورود

۲-۱-۷ تربیت اجتماعی: تربیت اجتماعی یعنی ایجاد حد نصاب کنشگری اجتماعی و توان مدیریت افراد جامعه به‌ویژه در بحران‌ها در همه‌ی نظامی‌های جدیدالورود

۲-۱-۸-آموزه: مجموعه‌ای از اصول و دستورالعمل‌ها معتبر در نظر گرفته شده در یک مکتب هستند که می‌تواند ادبی، فلسفی، سیاسی، نظامی یا جزئی از یک دین باشد.

۲-۱-۹-نهج‌البلاغه: نهج‌البلاغه کتابی است «عربی» و صدفی است مشحون به گوهرهایی از حکمت‌های عالیه. این کتاب مقدس که از سال ۴۰۰ هجری توسط سید رضی قدس سره با فکری نورانی و با اهدافی والا، از آثار علمی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تدوین گردیده شامل ۲۴۲ خطبه و سخن (خطبه‌ها) و ۷۸ مکتوب و رساله (نامه‌ها) و ۴۸۹ کلمه (حکمت‌ها) از سخنان گهربار و برگزیده پیشوای پیشوایان روزگار امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. آری، نهج‌البلاغه گزیده‌ای از گفتار نغز و سخنان پرمغز و گوهرهای شاهوار فکری آن حضرت است (شهرستانی، ۱۳۷۸: ۱۱۸-۱۱۵).

۲-۲-پیشینه پژوهش

با بررسی پژوهش‌های گوناگون درباره حوزه تعلیم و تربیت به‌ویژه تربیت دینی

۲-۲-۱-حصامی، مینا (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان خط قرمزها در تربیت از منظر نهج‌البلاغه پس از استخراج خط قرمزها با استفاده از خانواده حدیث به تبیین آن‌ها پرداخته است. در تربیت خط قرمزهایی از جنس شخصیتی، رفتاری و کارکردی وجود دارد که برای سامان یافتن امر تربیت و عدم عبور از خطوط قرمز باید مربیان به سلاح شناخت و کنترل‌کننده‌هایی برای رعایت بایدها و نبایدها در تربیت مجهز شوند تا در پرتو تربیت صحیح شاهد انسان‌هایی کامل در جامعه باشیم.

۲-۲-۲-رضائی فیجانی، مریم (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان فعالیت‌های فرهنگی امام علی (علیه السلام) در دوران ۲۵ ساله‌ی پس از پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) انواع فعالیت‌های فرهنگی امام در حوزه‌های گوناگون مانند تفسیر قرآن، جمع‌آوری قرآن، مشاوره به خلفا، مناظره با اندیشمندان دیگر ادیان و...

۲-۲-۳- راهی، طیه (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان نقش و راهکارهای حکومت در تربیت دینی مردم از دیدگاه امام علی علیه السلام، یکی از عرصه‌هایی که دین مورد توجه ویژه قرار داده، تربیت به‌ویژه تربیت دینی است. تربیتی که در ضمن شکوفایی استعداد های آدمی، گفتار و اعمال و در کل همه جنبه‌های زندگی او را جهت‌دهی الهی و توحیدی کرده و سعادت دنیوی و اخروی را تأمین نماید. یکی از بهترین زمینه‌های تحقق این تربیت در جوامع انسانی برپایی حکومت دینی است.

۲-۲-۴- شکوری، فاطمه (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان تربیت دینی و آسیب‌شناسی آن از دیدگاه امام علی (ع)، نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که دین ما کامل‌ترین دین است و بهترین دستورها را دارد اما چرا آسیب‌هایی آن را تهدید می‌کند پس از شناسایی آسیب‌ها به مقابله با آن‌ها می‌پردازد.

۲-۲-۵- اقبالی، منوچهر (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان ادب و سلوک تربیتی از منظر امام علی (ع) با نگاه تطبیقی به روش رئالیسم، نتیجه پژوهش به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد مشعل عقل آدمی که مایه فخر و مباهات اوست با مشعل ادب فروزان گردیده است و تا هنگامی که ادب در خرد ظاهر نگردد عقل کارایی و عملکرد مثبت نخواهد داشت. برای رسیدن به جایگاه رفیع و بلند آن برای هر فرد واجب‌تر از میل به مال و منال است.

۳- روش تحقیق

تحقیق ما تحلیل محتوا از نوع کمی و کیفی به شکل آمیخته اجرا شد که در آن خطبه‌های مرتبط با تربیت دینی مورد تحلیل محتوا قرار گرفت و در تحلیل محتوای کمی مفاهیم مرتبط با تربیت و تربیت دینی و جمله‌ها و متن‌ها ابتدا شمرده شده و فراوانی آن‌ها ثبت گردید و سپس به هر کدام از مفاهیم، جمله‌ها و متن‌ها به‌اندازه ارتباطی که با تربیت داشتند وزن دادیم و سپس عدد فراوانی ضرب در وزن مفهوم، جمله و متن شد و عدد به‌دست آمده بیانگر نگاه امام علی (علیه السلام) به هر یک از ابعاد و گونه‌های تربیت دینی بود سپس مفاهیم جمله‌ها و متن به شکل تحلیلی، محتوای کیفی شدند که در ارتباط با

آیه‌های قرآن کلام معصومین و فضای تاریخی بحث‌ها این تحلیل محتوا شکل گرفت و تحلیل نهایی هر دو تحلیل محتوای کمی و کیفی در نتیجه گیری به شکل فراتحلیل به یک جمع‌بندی منتج شدند.

۴- یافته‌ها

۴-۱- تحلیل محتوای کمی و کیفی (با مطالعه نهج‌البلاغه از ترجمه مرحوم

دشتی)

۴-۱-۱- خطبه ۸

تربیت اجتماعی امام علی علیه السلام (در این سخنان ارزشمند در سال ۳۶ هجری به بیعت زبیر، اشاره دارد)

يَزْعُمُ أَنَّهُ قَدْ بَايَعَ بَيْدَهُ وَلَمْ يَبَايِعْ بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَقْرَبَ بِالْبَيْعَةِ وَادَّعَى الْوَلِيَجَةَ فَلَيَّاتِ عَلَيْهَا بِأَمْرٍ يُعْرِفُ وَإِلَّا فَلْيَدْخُلْ فِيمَا خَرَجَ مِنْهُ.

پیمان شکنی زبیر: زبیر، می‌پندارد با دست بیعت کرد نه با دل، پس به بیعت با من اقرار کرده ولی مدعی انکار بیعت با قلب است، بر او لازم است بر این ادعا دلیل روشنی بیاورد، یا به بیعت گذشته بازگردد! (محمد دشتی-ص ۵۳)

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	تظاهر گرایی (الْوَلِيَجَةُ)	۱	۱۰	۱۰
۲	اعتقاد قلبی	۱	۱۰	۱۰

در این خطبه امام علی صحبت از پیمان شکنی به عنوان نکته منفی تربیتی صحبت می‌کند که اشاره به دورویی و نفاق دارد که نکته‌های منفی اخلاقی هستند لازم است که افراد گفتار و کردارشان به عنوان نکته تربیتی درست مورد توجه قرار گیرد.

امام علی علیه السلام در این سخن پاسخی که به زبیر می‌دهد که در همه محافل حقوقی دنیای مورد پذیرش است و یک اصل مهم در مسائل قضایی به شمار می‌آید؛ می‌فرماید: «او

ادّعا می‌کند که با دست خود بیعت کرد و هرگز با قلبش بیعت ننموده است» (يَزْعُمُ أَنَّهُ قَدْ بَايَعَ بِيَدِهِ، وَلَمْ يُبَايِعْ بِقَلْبِهِ).

سپس می‌افزاید: «او با این سخنش اقرار به بیعت می‌کند و ادّعای یک امر باطنی برخلاف ظاهر بیعت دارد» (فَقَدْ أَقَرَّ بِالْبَيْعَةِ، وَادَّعَى الْوَلِيَجَةَ^۱).
درواقع این سخن او آمیخته‌ای از اقرار و ادّعا است. اقرارش پذیرفته است و اما در مورد ادّعا باید اقامه دلیل کند.

پس به دنبال آن امام می‌فرماید: «او باید قرینه پذیرفتنی که بر این امر گواهی دهد اقامه کند (و اثبات نماید در شرایطی بوده که از روی اجبار و اکراه، این بیعت انجام شده و قلب او با دست و زبانش هماهنگی نداشته) در غیر این صورت باید دوباره به آنچه از آن خارج شده بازگردد و نسبت به بیعتش وفادار باشد» (فَلَيَاتِ عَلَيْهَا بِأَمْرِ يُعْرَفُ، وَالْأَفْلَيْدُخُلُ فِيمَا خَرَجَ مِنْهُ). (سایت موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام، ذیل خطبه ۸)

۴-۱-۲- خطبه ۲۹

روش تربیت اجتماعی (علل شکست کوفیان)

أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ كَلَامُهُمْ يُوْهِى الصُّمُّ الصَّلَابَ وَفِعْلُهُمْ يُطْمَعُ فِيكُمْ الْأَعْدَاءُ تَقُولُونَ فِي الْمَجَالِسِ كَيْتَ وَكَيْتَ فَإِذَا جَاءَ الْقِتَالُ قُلْتُمْ حَيْدَى حَيَادٍ! مَا عَزَتْ دَعْوَةُ مَنْ دَعَاكُمْ وَلَا اسْتَرَحَ قَلْبُ مَنْ قَاسَاكُمْ أَعَالِيلُ بِأَضَالِيلَ وَسَأَلْتُمُونِي التَّطْوِيلَ دَفَاعَ ذِي الدِّينِ الْمَطُولِ. لَا يَمْنَعُ الضَّيْمَ الدَّلِيلُ وَلَا يُدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ أَيْ دَارَ بَعْدَ دَارِكُمْ تَمْنَعُونَ وَمَعَ أَيِّ إِمَامٍ بَعْدِي تُقَاتِلُونَ الْمَغْرُورَ وَاللَّهِ مَنْ غَرَّرْتُمُوهُ وَمَنْ فَازَ بِكُمْ فَقَدْ فَازَ وَاللَّهِ بِالسَّهْمِ الْأَخِيبِ وَمَنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدْ رَمَى بِأَفْوَقَ نَاصِلٍ. أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ لَا أَصَدِّقُ قَوْلَكُمْ وَلَا أَطْمَعُ فِي نَصْرِكُمْ وَلَا أُوْعِدُ الْعَدُوَّ بِكُمْ مَا بِالْكُمْ مَا دَوَّأُكُمْ مَا طَبُّكُمْ الْقَوْمُ رِجَالٌ أَمْثَالُكُمْ أَوْ لَا بَغَيْرِ عِلْمٍ وَغَفْلَةٍ مِنْ غَيْرِ وَرَعَ وَطَمَعًا فِي غَيْرِ حَقٍّ.

^۱ «ولیجه» از ماده «ولج» به معنای دخول است؛ و گاه به ورود مخفیانه اطلاق می‌شود و به کسی که محرم اسرار

است ولیجه می‌گویند و در خطبه بالا به معنای یک امر پنهانی و درونی آمده است.

ای مردم کوفه! بدن‌های شما در کنار هم اما افکار و خواسته‌های شما پراکنده است، سخنان ادعایی شما، سنگ‌های سخت را می‌شکند، ولی رفتار سست شما دشمنان را امیدوار می‌سازد، در خانه‌هایتان که نشسته‌اید، ادعاهای و شعارهای تند سر می‌دهید، اما در روز نبرد، می‌گویید ای جنگ، از ما دور شو و فرار می‌کنید. آن کس که از شما یاری خواهد، ذلیل و خوار است و قلب رها کننده شما آسایش ندارد. بهانه‌های نابخردانه می‌آورید، چون بدهکاران خواهان مهلت، از من مهلت می‌طلبید و برای مبارزه سستی می‌کنید. بدانید که افراد ضعیف و ناتوان هرگز نمی‌توانند ظلم و ستم را دور کنند و حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی‌آید، شما که از خانه خود دفاع نمی‌کنید چگونه از خانه دیگران دفاع می‌نمایید؟ و با کدام امام پس از من به مبارزه خواهید رفت؟ به خدا سوگند! فریب‌خورده، آن کس که به گفتار شما مغرور شود، کسی که به امید شما به‌سوی پیروزی رود، با کندترین پیکان به میدان آمده است و کسی که بخواهد دشمن را به‌وسیله شما هدف قرار دهد، با تیری شکسته، تیراندازی کرده است! به خدا سوگند! صبح کردم درحالی که گفتار شما را باور ندارم و به یاری شما امیدوار نیستم و دشمنان را به‌وسیله شما تهدید نمی‌کنم. راستی شما را چه می‌شود؟ دارویتان چیست؟ و روش درمانتان کدام است؟ مردم شام نیز همانند شمایند؟ آیا سزاوار است شعار دهید و عمل نکنید؟ و فراموش کاری بدون پرهیزکاری داشته، به غیر خدا امیدوار باشید؟ (دستی، ۷۹-۸۱)

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	دوگانگی گفتار و رفتار	۸	۱۰	۸۰
۲	ادعای واهی و بدون عمل	۴	۱۰	۴۰
۳	سستی در عمل	۴	۱۰	۴۰
۴	غیرقابل اعتماد بودن	۷	۱۰	۷۰
۵	پرهیز از امید به غیر خدا داشتن	۱	۸	۸

امام علی علیه السلام نکته‌های تربیتی نادرستی را که زبیر پیشه کرده بود را در بی‌عملی با ۸ نکته یادآور می‌شود و ۴ بار به ادعاهای غیرواقعی آن‌ها، و ۷ بار به غیرقابل‌اعتماد بودن آن‌ها و یک‌بار به امید به غیر خدایشان اشاره می‌کند برای تربیت درست باید مانند داستان لقمان که ادب را از بی‌ادبان یاد گرفت عنایت داشت.

بعضی از پژوهشگران، این خطبه را بخشی از خطبه ۲۷ دانسته‌اند. به نظر می‌رسد که واقعیت امر، چنین است، زیرا حال و هوای هر دو خطبه یکی است و هر دو نشان می‌دهند که مردم کوفه و عراق، در برابر حملات ایدایی معاویه و شامیان بسیار سست و خونسرد بودند، گویی نمی‌دانستند در پیرامونشان چه می‌گذرد و غارتگران شام چه می‌کنند! امام، با ناراحتی شدید برای بیدار کردن اندیشه‌های خفته و روح‌های سست و تنبل آن‌ها با شلاق‌های آتشین سخن، آن‌ها را زیر ضربات پی‌درپی خود قرار می‌دهد، شاید به خود آیند و خطری را که از سوی شامیان خون‌خوار آن‌ها را تهدید می‌کند درک کنند و در برابر آن‌ها به پاخیزند.

امام علی علیه السلام این خطبه را در شرایط بسیار سخت و بحرانی ایراد فرموده است؛ در شرایطی که دشمن جسور و غارتگر برای تضعیف روحیه مردم عراق، در هر گوشه و کنار به حملات ایدایی و غافلگیرانه پرداخته بود و امام (علیه السلام) که راه چاره را در یک حرکت نیرومند و تهاجم همه‌جانبه می‌دید، به آماده ساختن مردم مشغول بود، ولی ناتوانی و سستی و ضعفی که به علل گوناگون بر آن گروه مسلط شده بود — امکان تشکیل چنین نیرویی را سلب کرده بود.

۴-۱-۳- خطبه ۳۴

(این خطبه را پس از شکست شورشیان خوارج، در سال ۳۸ هجری برای بسیج کردن مردم جهت مبارزه با شامیان در «نخيلة کوفه» ایراد فرمود)

۴-۱-۳- حقوق متقابل مردم و رهبری:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ
فَيْئُكُمْ عَلَيَّكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ
وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ.

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از
خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش
دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید؛ و اما حق
من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی
کنید، هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید. (محمد دشتی-ص

۸۷-۸۹)

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	ادب	۱	۱۰	۱۰
۲	خیرخواهی	۱	۱۰	۱۰
۳	تربیت	۱	۱۰	۱۰
۴	مبارزه با بی‌سوادی و جهل	۱	۱۰	۱۰
۵	عدالت‌ورزی	۱	۱۰	۱۰
۶	وفاداری در بیعت	۱	۱۰	۱۰
۷	یادگیری راه و رسم زندگی	۱	۱۰	۱۰
۸	فرمان‌برداری	۱	۱۰	۱۰
۹	اطاعت‌پذیری	۱	۱۰	۱۰
۱۰	وفاداری به پیمان‌ها	۱	۱۰	۱۰
۱۱	اجابت دعوت‌های ولی	۱	۱۰	۱۰

امام علی در خطبه بالا حقوق متقابل حکومت و مردم را به‌عنوان نکته‌های تربیتی متقابل
برشمرده است که به هر کدام از آن‌ها وزن مساوی دادیم که فراوانی هایشان هم یک‌بار
بودند

۴-۱-۴ خطبه ۷۶

۴-۱-۴-۱-۴ مراحل خودسازی و تربیت فردی

۴-۱-۴-۱-۴ صفات بنده پرهیزکار:

رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى وَ دُعَى إِلَى رَشَادٍ فَدَنَا وَ أَخَذَ بِحُجْزَةِ هَادٍ فَفَنَجَا رَاقِبَ رَبِّهِ وَ خَافَ ذَنْبَهُ قَدَمَ خَالِصًا وَ عَمَلَ صَالِحًا أَكْتَسَبَ مَذْخُورًا وَ اجْتَنَّبَ مَحْذُورًا وَ رَمَى غَرَضًا وَ أَحْرَزَ عَوْضًا كَابِرَ هَوَاهُ وَ كَذَّبَ مُنَاهُ جَعَلَ الصَّبْرَ مَطِيَّةَ نَجَاتِهِ وَ التَّقْوَى عُدَّةَ وَفَاتِهِ رَكِبَ الطَّرِيقَةَ الْغَرَاءَ وَ لَزِمَ الْمَحَجَّةَ الْبَيْضَاءَ اغْتَنَمَ الْمَهْلَ وَ بَادَرَ الْأَجَلَ وَ تَزَوَّدَ مِنَ الْعَمَلِ.

خدا رحمت کند کسی را که چون سخن حکیمانه بشنود، خوب فراگیرد و چون هدایت شود بپذیرد، دست به دامن هدایت کننده زند و نجات یابد، مراقب خویش در برابر پروردگار باشد، از گناهان خود بترسد، خالصانه گام بردارد، عمل نیکو انجام دهد، ذخیره‌ای برای آخرت فراهم آورد و از گناه پرهیزد، همواره اغراض دنیایی را از سر دور کند و درجات آخرت به دست آورد، با خواسته‌های دل مبارزه کند، آرزوهای دروغین را طرد و استقامت را مرکب نجات خود قرار دهد؛ و تقوا را زاد و توشه روز مردن گرداند، در راه روشن هدایت قدم بگذارد و از راه روشن هدایت فاصله نگیرد. چند روز زندگی دنیا را غنیمت شمارد و پیش از آن که مرگ او فرارسد خود را آماده سازد و از اعمال نیکو، توشه آخرت برگیرد. (دشتی، ۱۲۵)

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	خوب شنیدن و فراگرفتن سخن حکیمانه	۱	۱۰	۱۰
۲	پذیرفتن هدایت	۱	۸	۸
۳	دست به دامن هدایت کننده شدن	۱	۸	۸
۴	استقامت برای نجات	۱	۱۰	۱۰
۵	پی جویی نتایج اخروی	۲	۹	۱۸
۶	دور کردن اغراض دنیایی از خود	۱	۸	۸
۸	عمل نیکو	۲	۱۰	۲۰
۹	ترس از گناهان	۲	۱۰	۲۰
۱۰	پرهیز از گناهان	۲	۱۰	۲۰
۱۱	مراقبت از خویش	۲	۸	۱۶
۱۲	تربیت نفس	۱	۱۰	۱۰
۱۳	پرهیزکاری به عنوان زاد و توشه آخرت	۲	۹	۱۸

تربیت فردی و خودسازی به عنوان سنگ بنای تربیت و ساخت اجتماعی در خطبه ۷۶ با بیشترین فراوانی و ارزش گذاری در مورد پرهیزکاری با جهت آخرت گرایی، عمل گرایی نیکو و در ادامه به نتایج اخروی نظر داشتن، دوری از آرزوهای دست نیافتنی ترس از گناهان و پرهیز از آن و تربیت نفس و... امکان می یابد.

امام علی علیه السلام با بیان پنج ویژگی، درواقع مقدمات کار رسیدن به قرب الی الله و سلوک مسیر پرهیزکاری و خودسازی را بیان فرمود؛ چه اینکه در آغاز راه، نخست گوش شنوا لازم است که حقایق را بشنود و در خود جای دهد و سپس گام برداشتن به سوی دعوت کننده الهی برای فهم بیشتر و به دنبال آن، دست زدن به دامن یک هدایتگر و انتخاب رهبر و راهنما و در پی آن، خدا را در همه جا حاضر و ناظر خویش دانستن و از گناه و خطا ترسیدن است. کسی که این پنج فضیلت را به دست آورد مقدمات سفر را کامل کرده و آماده حرکت است.

درست است که خداوند انسان را با فطرت الهی آفریده و چراغ روشنی به نام «عقل» در اختیار او گذارده، ولی بدون شک پیمودن این راه، تنها به کمک عقل و فطرت امکان پذیر نیست، هم دعوت کننده الهی لازم است و هم داشتن دلیل و راهنما و استاد و مربی.

۴-۱-۵- خطبه ۷۸

۴-۱-۵-۱ تربیت فردی آثار تربیتی معنوی دعا (از دعا‌های آن حضرت است)

نیایش امام:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَتَيْتُكَ بِهِ مِنْ عُدْوَانٍ أَوْ غِيٍّ فَإِنْ عُدْتُكَ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا وَائْتُ مِنْ نَفْسِي وَلَمْ تَجِدْ لَهُ وَفَاءً عِنْدِي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ بِلِسَانِي ثُمَّ خَالَفَهُ قَلْبِي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي رَمَزَاتِ الْأَلْحَاطِ وَ سَقَطَاتِ الْأَلْفَافِ وَ شَهَوَاتِ الْجَنَانِ وَ هَفَوَاتِ اللَّسَانِ .

خدایا! از من در گذر آنچه را از من بدان داناتری و اگر بار دیگر به آن بازگردم تو نیز به بخشایش بازگرد. خدایا، آنچه از اعمال نیکو که تصمیم گرفتم و انجام ندادم ببخشای. خدایا، ببخشای آنچه را که با زبان به تو نزدیک شدم ولی با قلب آن را ترک کردم. خدایا،

بیخشی‌های نگاه‌های اشارت آمیز و سخنان بی‌فایده و خواسته‌های بی‌مورد دل و لغزش‌های زبان. (محمد دشتی-ص ۱۲۷)

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	اعمال نیکو	۱	۱۰	۱۰
۲	همراهی زبان و قلب (نظر و عمل)	۱	۱۰	۱۰
۳	دوری از آزدن زبانی دیگران	۲	۷	۱۴
۴	طرد خواهش‌های نفسانی	۱	۸	۸

یاد گرفتن و تربیت بر پایه دوری از آزدن دیگران با زبان به‌عنوان تربیت فردی و خودسازی مهم است و سپس همراهی زبان و قلب یا صداقت و انجام کارهای نیک و در آخر دوری از خواست نفس برای تربیت فردی و خود سازی در درجه‌های دیگر اهمیت قرار دارند

امام علی علیه‌السلام در این سخن نورانی خود، از چهار چیز آمرزش می‌طلبد که درواقع هر کدام از آن‌ها یکی از مهم‌ترین مشکلات اخلاقی و معنوی انسان است و بی‌شک هر انسانی که بتواند این چهار چیز را از خود دور کند به سرمنزل سعادت و ساحل نجات نزدیک شده است.

تناقض در میان گفتار و نیات قلبی، تنها در مورد ریاکاری نیست، بلکه هر دوگانگی در میان ظاهر و باطن را شامل می‌شود. هر سخنی را انسان بگوید و به هنگام عمل در پای آن نایستد، یا اراده و تصمیمش بر ضد آن باشد، نشانه دوگانگی میان ظاهر و باطن است؛ هرچند قصد ریاکاری هم نداشته باشد. قرآن مجید می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ* كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؛ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید.» (صف/۲-۳)

نگاه‌های تحقیرآمیز به مؤمنان و اشارات آمیخته با هتک و غرور، همچنین سخنان بی‌مطالعه که گاه سرچشمه کینه‌ها و نفاق‌ها و اختلافات می‌شود و آبروی مسلمین را بر باد می‌دهد و نیز تمایلات شهوت‌آلود دل که انسان را به سوی هر گناهی دعوت می‌کند و نیز لغزش‌هایی که بر اثر بی‌توجهی به هنگام سخن گفتن رخ می‌دهد و سرچشمه مفاسد عظیمی می‌شود، همه و همه از دشمنان سعادت انسان است و هنگامی که امام (علیه‌السلام) از خداوند در برابر آن‌ها تقاضای بخشش می‌کند، عملاً به همه هشدار می‌دهد که مراقب این چهار مسئله مهم باشند و گناه آن را کوچک نشمرند. (سایت موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام، ذیل خطبه ۷۸)

۴-۱-۶- خطبه ۸۳

۴-۱-۶-۱ شیوه‌های هدایت و تربیت اجتماعی

۴-۱-۶-۲ راه‌های پندپذیری (راه‌های شناخت)

جَعَلَ لَكُمْ أَسْمَاعًا لَتَعِيَ مَا عَنَّاهَا وَ أَبْصَارًا لَتَجُلُوَ عَنْ عَشَاهَا وَ أَشْلَاءَ جَامِعَةً لَأَعْضَائِهَا مُلَائِمَةً لَأَحْنَائِهَا فِي تَرْكِيبِ صُورِهَا وَ مَدَدِ عُمْرِهَا بِأَبْدَانٍ قَائِمَةٍ بِأَرْفَاقِهَا وَ قُلُوبٍ رَائِدَةٍ لَأَرْزَاقِهَا فِي مُجَلَّلَاتٍ نِعَمِهِ وَ مُوجِبَاتٍ مِنْهُ وَ حَوَاجِزٍ عَافِيَتِهِ وَ قَدَرٍ لَكُمْ أَعْمَارًا سَتَرَهَا عَنْكُمْ وَ خَلْفَ لَكُمْ عِبْرًا مِنْ آثَارِ الْمَاضِينَ قَبْلَكُمْ مِنْ مُسْتَمْتَعِ خَلَاقِهِمْ وَ مُسْتَفْسَحِ خَنَاقِهِمْ أَرْهَقَتْهُمْ الْمَنَایَا دُونَ الْآمَالِ وَ شَدَّ بِهِمْ عَنْهَا تَحْرُمُ الْآجَالِ لَمْ يَمْهَدُوا فِي سَلَامَةِ الْأَبْدَانِ وَ لَمْ يَعْتَبِرُوا فِي أَنْفِ الْأَوَّانِ فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَضَاضَةِ الشَّبَابِ إِلَّا حَوَانِي الْهَرَمِ وَ أَهْلُ غَضَارَةِ الصَّحَّةِ إِلَّا نَوَازِلَ السَّقَمِ وَ أَهْلُ مُدَّةِ الْبَقَاءِ إِلَّا آوَنَةُ الْفَنَاءِ مَعَ قُرْبِ الزَّيَالِ وَ أَزُوفِ الْإِنْتِقَالِ وَ عِلَزِ الْقَلْقِ وَ أَلَمِ الْمَضَضِ وَ غُصَصِ الْجَرَضِ وَ تَلَقَّتِ الْإِسْتِغَاثَةَ بِنُصْرَةِ الْحَفْدَةِ وَ الْأَقْرَبَاءِ وَ الْأَعَزَّةِ وَ الْقُرْنَاءِ فَهَلْ دَفَعَتْ الْأَقَارِبُ أَوْ نَفَعَتِ النَّوَاحِبُ

خدا گوش‌هایی برای پند گرفتن از شنیدنی‌ها و چشم‌هایی برای کنار زدن تاریکی‌ها، به شما بخشیده است و هر عضوی از بدن را اجزاء متناسب و هماهنگ عطا فرموده تا در ترکیب ظاهری صورت‌ها و دوران عمر با هم سازگار باشند، با بدن‌هایی که منافع خود را

تأمین می‌کنند و قلب‌هایی که روزی را به سراسر بدن با فشار می‌رسانند و از نعمت‌های شکوهمند خدا برخوردارند و در برابر نعمت‌ها شکر گزارند و از سلامت خدادادی بهره‌مندند. مدّت زندگی هر یک از شماها را مقدر فرمود و از شما پوشیده داشت و از آثار گذشتگان عبرت‌های پندآموز برای شما ذخیره کرد، لذّت‌هایی که از دنیا چشیدند و خوشی‌ها و زندگی راحتی که پیش از مرگ داشتند، سرانجام دست مرگ گریبان آن‌ها را گرفت و میان آن‌ها و آرزوهایشان جدایی افکند: آن‌ها که در روز سلامت چیزی برای خود ذخیره نکردند و در روزگاران خوش زندگی عبرت نگرفتند. آیا خوشی‌های جوانی را جز ناتوانی پیری در انتظار است؟ و آیا سلامت و تندرستی را جز حوادث بلا و بیماری در راه است؟ و آیا آنان که زنده‌اند جز فنا و نیستی را انتظار دارند؟ با اینکه هنگام جدایی و تپش دل‌ها نزدیک است که سوزش درد را چشیده و شربت غصّه را نوشیده و فریاد یاری خواستن برداشته و از فرزندان و خویشاوندان خود، درخواست کمک کرده است. آیا خویشاوندان می‌توانند مرگ را از او دفع کنند؟ و آیا گریه و زاری آن‌ها نفعی برای او دارد؟ (محمد دشتی - ص ۱۳۵)

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	برشمردن نعمت‌ها	۵	۹	۴۵
۲	عبرت از گذشتگان	۱۱	۷	۷۷
۳	پند گرفتن شنیداری	۱	۱۰	۱۰

عبرت از رفتار گذشتگان با ۱۱ بار فراوانی بیشترین اثر تربیتی در این خطبه داشته و پیگیری شده است سپس بر شماری نعمت‌ها و بصیرت با بینای و پندگرفتن از شنیدن قرا دارند.

به هر حال، وضع خطبه نشان می‌دهد که امام علیه‌السلام به‌طور جدی در مقام آماده ساختن دل‌ها و بیدار کردن مردم بوده و امام علیه‌السلام در بهترین و آماده‌ترین حالات قرار داشته که خطبه‌ای به این زیبایی و درخشندگی و پرمحتوایی بیان فرموده است، که یک دوره کامل درس انسان‌سازی است و کمتر کسی پیدا می‌شود که آن را به دقت بررسی

کند و عمیقاً تحت تأثیر واقع نشود؛ این خطبه را می‌توان به «دوازده» (۱۲) بخش تقسیم کرد که هر کدام از آن‌ها مکمل دیگری است:

(سایت موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام، ذیل خطبه ۷۸)

۴-۱-۷- خطبه ۸۶

۴-۱-۷-۱- مراحل خودسازی و تربیت نفس

۴-۱-۷-۲- پندهای ارزشمند:

فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُ مِنْكُمْ فِي أَيَّامٍ مَهْلَةٍ قَبْلَ إِرْهَاقِ أَجَلِهِ وَفِي فَرَاغِهِ قَبْلَ أَوَانِ شُغْلِهِ وَفِي مُتَنَفِّسِهِ قَبْلَ أَنْ يُؤْخَذَ بِكَظْمِهِ وَلِيْمَهْدَ لِنَفْسِهِ وَقَدَمَهُ وَلِيَتَزَوَّدَ مِنْ دَارِ ظَعْنِهِ لِدَارِ إِقَامَتِهِ فَاللَّهُ اللَّهُ أَيُّهَا النَّاسُ فِيمَا اسْتَحْفَظْتُمْ مِنْ كِتَابِهِ وَاسْتَوَدَعْتُمْ مِنْ حُفُوقِهِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدىً وَ لَمْ يَدْعَكُمْ فِي جَهَالَةٍ وَ لَا عَمَى قَدْ سَمَى آثَارَكُمْ وَ عِلْمَ أَعْمَالَكُمْ وَ كَتَبَ آجَالَكُمْ وَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ الْكِتَابَ تَبَيَّنَ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ عَمَرَ فِيكُمْ نَبِيَّ أَرْمَانًا حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ وَ لَكُمْ فِيمَا أَنْزَلَ مِنْ كِتَابِهِ دِينَهُ الَّذِي رَضِيَ لِنَفْسِهِ وَ أَنْهَى إِلَيْكُمْ عَلَى لِسَانِهِ مَحَابَّةَ مِنَ الْأَعْمَالِ وَ مَكَارِهِهِ وَ نَوَاهِيَهُ وَ أَوَامِرَهُ وَ أَلْقَى إِلَيْكُمْ الْمَعْدَرَةَ وَ اتَّخَذَ عَلَيْكُمْ الْحُجَّةَ وَ قَدَّمَ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ وَ أَنْذَرَكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ عَذَابٍ شَدِيدٍ فَاسْتَدِرْ كُوا بَقِيَّةَ أَيَّامِكُمْ وَ اصْبِرُوا لَهَا أَنْفُسُكُمْ فَإِنَّهَا قَلِيلٌ فِي كَثِيرِ الْأَيَّامِ الَّتِي تَكُونُ مِنْكُمْ فِيهَا الْغَفْلَةُ وَ التَّشَاغُلُ عَنِ الْمَوْعِظَةِ وَ لَا تُرْخِصُوا لَأَنْفُسِكُمْ فَتَذْهَبَ بِكُمْ الرُّخْصُ مَذَاهِبَ الظُّلْمَةِ وَ لَا تُدَاهِنُوا فَيَهْجُمَ بِكُمْ الْإِدْهَانُ عَلَى الْمَعْصِيَةِ

هر کس از شما در روزگارانی که مهلت دارد به اعمال نیکو پردازد پیش از آن که

مرگ فرارسد و در ایام فراغت پاک باشد، پیش از آن که گرفتار شود و در ایام رهایی نیکو کار باشد، پیش از آن که مرگ گلوگاه او را بفشارد، پس برای خود و جایی که می‌رود آماده باشد و در این دنیا که محل کوچ کردن است برای منزلگاه ابدی، توشه‌ای بردارد. پس ای مردم! خدا را! پروا کنید، برای حفظ قرآن، که از شما خواسته و حقوقی که نزد شما سپرده است، پس همانا خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید و به حال خود وانگذاشت و در گمراهی و کوری رها نساخته است، کردارتان را بیان فرموده و از اعمال

شما با خبر است و سرآمد زندگی شما را مشخص کرد و «کتابی بر شما نازل کرد که روشنگر همه چیز است» پیامبرش را مدتی در میان شما قرار داد تا برای او و شما، دین را به اکمال رساند و آنچه در قرآن نازل شد و مایه رضای الهی است تحقق بخشد؛ و بازبان پیامبرش، کارهای خوشایند و ناخوشایند، بایدها و نبایدها را ابلاغ کرد و اوامر و نواهی را آموزش داد و راه عذر را بر شما بست و حجت را تمام کرد. پیش از کیفر، شما را تهدید کرد و از عذاب‌های سختی که در پیش روی دارید ترساند. پس بازمانده ایام خویش را دریابید و صبر و بردباری در برابر ناروایی‌ها پیشه کنید، چرا که عمر باقی‌مانده برابر روزهای زیادی که به غفلت گذرانید و روی گردان از پندها بودید، بسیار کم است. به خویش بیش از اندازه آزادی ندهید، که شما را به ستمگری می‌کشاند و با نفس سازش کاری و سستی روا مدارید که ناگهان در درون گناه سقوط می‌کنید. (محمد دشتی، ۱۴۳-۱۴۵).

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	انجام اعمال نیکو	۳	۱۰	۳۰
۲	آماده شدن برای مرگ	۴	۹	۳۶
۴	تربیت نفس	۷	۱۰	۷۰
۵	حفظ قرآن	۱	۹	۹
۶	جمع کردن توشه برای آخرت	۱	۹	۹
۷	صبر و بردباری	۱	۱۰	۱۰
۸	دوری از سازش کاری	۱	۱۰	۱۰

بیشترین فراوانی در این خطبه به ترتیب درباره تربیت نفس، آماده شدن برای مرگ، سپس انجام کارهای نیکو، انداز پیش از کیفر و جمع کردن توشه برای آخرت، صبر و بردباری و دوری از سازش کاری است.

امام علی علیه‌السلام پس از هشدارهایی که درباره روش‌های نفوذ شیطان در آدمی داشت، دستورالعمل‌هایی در شش جمله کوتاه و پرمعنا در ارتباط با آن هشدارها، بیان می‌کند و آن را کامل تر می‌سازد.

ترند.» (عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّ أَنْصَحَ النَّاسِ لِنَفْسِهِ أَطْوَعُهُمْ لِرَبِّهِ).

بدیهی است هر گاه کسی فریب دیگری را بخورد، مورد ملامت است؛ اما اگر فریب هوا و هوس‌های نفس خویش را بخورد، درخور سرزنش و ملامت شدیدتری است! چرا که با دست خود، سرمایه‌های سعادت خویش را آتش زده است. (سایت موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت عليهم‌السلام، ذیل خطبه ۷۸)

۴-۱-۸-خطبه ۹۰

۴-۱-۸-۱-اثر تربیتی خودکنترلی

۴-۱-۸-۲-اندرزهای حکیمانه

عِبَادَ اللَّهِ زُنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزِنُوا وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ تَنْفَسُوا قَبْلَ ضَيْقِ الْخَنَاقِ وَ أَنْقَادُوا قَبْلَ عَنَفِ السِّيَاقِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُعِنْ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَاعِظٌ وَ زَاجِرٌ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا لَ زَاجِرٌ وَ لَا وَاعِظٌ

بندگان خدا! خود را بسنجید قبل از آن که موردسنجش قرار گیرید، پیش از آن که حسابتان را بر سند حساب خود را برسید و پیش از آن که راه گلو گرفته شود نفس راحت بکشید و پیش از آن که با زور شما را به اطاعت وادارند، فرمان‌بردار باشید. بدانید همانا آن کس که خود را یاری نکند و پنددهنده و هشداردهنده خویش نباشد، دیگری هشداردهنده و پنددهنده او نخواهد بود. (محمد دشتی، ۱۵۳-۱۵۵)

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	سنجش و حسابرسی اعمال	۴	۸	۳۲
۲	فرمان‌برداری و اطاعت	۱	۱۰	۱۰

در این خطبه نیز بیشترین فراوانی درباره سنجش و حسابرسی فرد از خودش با ۴ بار تکرار و سپس فرمان‌برداری و اطاعت قرار دارد.

این خطبه چهار بخش دارد با مفهومی که با یکدیگر در ارتباط‌اند. در بخش نخست: ازلی بودن خداوند با تعبیرهای بسیار گویا و زیبایی تشریح شده است.

در بخش دوم: سخن از احاطه علمی خداوند درباره بندگان و آگاهی او بر زوایا و خفایای وجود انسان است.

در بخش سوم: دشمنان خدا را به مجازات‌های سخت تهدید و دوستان و مطیعان و شاکران را به پاداش‌های عالی تشویق می‌کند.

در بخش نهایی: یعنی بخش چهارم، در چند جمله کوتاه و پرمعنا همه بندگان خدا را موعظه می‌کند و اندرز می‌دهد و گویا بخش‌های سه‌گانه پیشین، همه مقدمه‌ای است برای این بخش انسان‌ساز و بیدارکننده. (سایت موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم‌السلام، ذیل خطبه ۷۸)

۴-۱-۹- جدول کلی داده‌ها:

در جدول زیر کل داده‌های جدول‌های فوق گردآوری و محتوای آن‌ها همسان‌سازی محتوا شده است:

آمیتاز	ارزش	فراوانی	مفاهیم	آدرس
۱۶	۸	۲	اتکا به خداوند	نامه ۳۱
۸	۸	۱	اتکا به خداوند (پرهیز از امید به غیر خدا داشتن)	خطبه ۲۹
۸	۸	۱	اتکا به خداوند (از خدا راضی بودن)	حکمت ۴۳
۸	۸	۱	اتکا به خداوند (استعانت از خدا)	نامه ۳۱
۴۰	۸	۵	اتکا به خداوند (اعتماد به خدا)	حکمت ۲۷۳

نامۀ ۳۱	اتکا به خداوند (درخواست نیکی از خدا)	۳	۸	۲۴
نامۀ ۲۸	اتکا به خداوند (لطف خدا در توفیقات)	۳	۸	۲۴
حکمت ۵۴	ادب (کالادب)	۱	۸	۸
حکمت ۷۳	ادب (مودبهم)	۱	۸	۸
نامۀ ۳۱	اعتقاد قلبی	۲	۱۰	۲۰
خطبه ۸	اعتقاد قلبی	۱	۱۰	۱۰
حکمت ۸۳	اعتقاد قلبی (ایمان در دل)	۱	۱۰	۱۰
حکمت ۳۸۳	اعتقاد قلبی (اطاعت و بندگی)	۴	۱۰	۴۰
خطبه ۵۶	اعتقاد قلبی (ایمان و تسلیم)	۱	۱۰	۱۰
خطبه ۵۶	اعتقاد قلبی (راستی و اخلاص)	۱	۱۰	۱۰
حکمت ۴۳	اعتقاد قلبی (رغبت در ایمان)	۱	۱۰	۱۰
خطبه ۷۸	اعتقاد قلبی (همراهی زبان و قلب)	۱	۱۰	۱۰
نامۀ ۳۱	الگو داشتن (تبعیت از صالحان)	۱	۱۰	۱۰
خطبه ۱۹۲	محبت اهل بیت (اقتدا به پیامبر)	۳	۷	۲۱
نامۀ ۲۸	محبت اهل بیت (بیان فضایل اهل بیت)	۵	۷	۳۵
نامۀ ۲۳	محبت اهل بیت (حفظ سنت پیامبر)	۱	۷	۷
نامۀ ۲۸	محبت اهل بیت (شایستگی برای خلافت)	۲	۷	۱۴
نامۀ ۲۸	محبت اهل بیت (یادآوری نعمات و بیان فضایل اهل بیت)	۶	۷	۴۲
حکمت ۱۰۴	آخرت گرایی	۱	۹	۹
نامۀ ۲۲	آخرت گرایی	۷	۹	۶۳
نامۀ ۳۱	آخرت گرایی	۲	۹	۱۸
خطبه ۸۶	آخرت گرایی (آماده شدن برای مرگ)	۴	۹	۳۶
نامۀ ۲۳	آخرت گرایی (آماده شدن برای مرگ)	۶	۹	۵۴
خطبه ۷۶	آخرت گرایی (پرهیزکاری به عنوان زاد و توشه آخرت)	۲	۹	۱۸
خطبه ۷۶	آخرت گرایی (پی جویی نتایج اخروی)	۲	۹	۱۸

خطبه ۸۶	آخرت گرایی (جمع کردن توشه برای آخرت)	۱	۹	۹
حکمت ۴۱۲	تربیت	۱	۱۰	۱۰
حکمت ۱۷۷	تربیت	۱	۱۰	۱۰
نامه ۳۱	تربیت (ابتدای بالتعلیم)	۱	۱۰	۱۰
نامه ۳۱	تربیت (اجمعت علیه من ادبک)	۱	۱۰	۱۰
حکمت ۳۶۵	تربیت (تأدیب نفس)	۳	۱۰	۳۰
حکمت ۷۳	تربیت (تادیبه)	۲	۱۰	۲۰
حکمت ۳۵۹	تربیت (تأدیب‌ها)	۱	۱۰	۱۰
حکمت ۱۹۳	تربیت (تربیت دل)	۳	۱۰	۳۰
حکمت ۳۵۹	تربیت (تربیت نفس)	۲	۱۰	۲۰
خطبه ۷۶	تربیت (تربیت نفس)	۱	۱۰	۱۰
خطبه ۸۶	تربیت (تربیت نفس)	۷	۱۰	۷۰
حکمت ۳۲۴	تربیت (تقوی در خلوت)	۱	۱۰	۱۰
خطبه ۲۳۸	تربیت (سزاوار تربیت)	۹	۱۰	۹۰
نامه ۲۸	تربیت (صنائع جمع «صنیعه»: تربیت شدگان)	۲	۱۰	۲۰
نامه ۳۱	تربیت (فبادرتک بالادب: شتاب در تربیت تو)	۱	۱۰	۱۰
حکمت ۲۰۸	تربیت (مراحل تربیت نفس)	۶	۱۰	۶۰
حکمت ۷۳	تربیت (مراحل تربیت)	۳	۱۰	۳۰
حکمت ۳۹۹	تربیت (یحسن ادبه: تربیت خوب)	۱	۱۰	۱۰
خطبه ۲۳۸	تربیت (یودب: تربیت شوند)	۱	۱۰	۱۰
حکمت ۱۷۷	تشویق	۱	۸	۸
خطبه ۸	تظاهر کردن (الْوَلِجَةُ)	۱	۱۰	۱۰
خطبه ۲۹	تظاهر کردن (دوگانگی گفتار و رفتار)	۸	۱۰	۸۰
حکمت ۹۸	تظاهر کردن (پرهیز از ظاهر گرایی)	۲	۱۰	۲۰
حکمت ۷۳	تعلیم	۲	۸	۱۶
حکمت ۹۴	تعلیم (علم آموزی)	۱	۸	۸

۸	۸	۱	تنبيه	حکمت ۱۷۷
۹	۹	۱	جبران خطا	حکمت ۹۴
۱۰۰	۱۰	۱۰	جهاد (آمادگی کامل در جنگ و توصیف شجاعت)	نامه ۲۸
۱۰	۱۰	۱	جهاد (پیروزی)	خطبه ۵۶
۵۰	۱۰	۵	جهاد (تهدید به جنگ در صورت نافرمانی)	نامه ۲۹
۱۰	۱۰	۱	جهاد (جهاد و کوشش در برابر دشمن)	خطبه ۵۶
۱۰	۱۰	۱	جهاد (مبارزه با پدر، فرزندان و عموها به همراه رسول‌الله و در رکاب ایشان)	خطبه ۵۶
۱۰	۱۰	۱	جهاد کبیر (دوری از سازش کاری)	خطبه ۸۶
۲۷	۹	۳	خداترسی	حکمت ۲۱۰
۹	۹	۱	خداترسی	حکمت ۳۲۴
۹	۹	۱	خداترسی	نامه ۳۱
۹	۹	۱	خداترسی (احذر)	حکمت ۳۸۳
۹	۹	۱	خداترسی (ترس از خدا)	نامه ۳۱
۱۰	۱۰	۱	خوش اخلاقی	حکمت ۳۸
۲۰	۱۰	۲	خوش اخلاقی (پرهیز از غرور)	حکمت ۴۰۲
۲۰	۱۰	۲	خوش اخلاقی (راستی و اخلاق نیکو)	خطبه ۱۹۲
۱۰	۱۰	۱	خوش اخلاقی (غرور)	حکمت ۳۸
۴۲	۷	۶	شناخت دشمنان اهل بیت (افشای ادعا دروغین معاویه)	نامه ۲۸
۲۱	۷	۳	شناخت دشمنان اهل بیت (بیان رسوایی‌های بنی‌امیه)	نامه ۲۸
۴۰	۱۰	۴	رازداری	حکمت ۳۸۱
۳۰	۱۰	۳	رازداری (آبروداری)	حکمت ۲۸۹
۲۴	۸	۳	رفتار عاقلانه	حکمت ۳۸
۱۶	۸	۲	رفتار عاقلانه	حکمت ۵۴
۸	۸	۱	رفتار عاقلانه (سطحی‌نگری)	حکمت ۹۲

حکمت ۳۷	رفتار عاقلانه (سود نبردن از آداب جاهلی)	۵	۸	۴۰
خطبه ۱۸۰	رفتار عاقلانه (نادانی مردم)	۱	۸	۸
حکمت ۱۰۴	زهد	۶	۸	۴۸
حکمت ۲۸۹	زهد	۵	۸	۴۰
حکمت ۲۸۹	زهد (پرهیز از دنیا)	۵	۸	۴۰
حکمت ۳۸۴	زهد (پرهیز از دنیا)	۱	۸	۸
حکمت ۴	زهد (پرهیز از دنیا)	۲	۸	۱۶
حکمت ۷۲	زهد (پرهیز از دنیا زدگی)	۶	۸	۴۸
حکمت ۳۰۳	زهد (توجه به دنیا در حد ضرورت)	۱	۸	۸
حکمت ۱۰۴	زهد (چشم پوشی از دنیا)	۱	۸	۸
خطبه ۷۶	زهد (دور کردن اغراض دنیایی از خود)	۱	۸	۸
حکمت ۱۱۹	زهد (وصف دنیای حرام)	۴	۸	۳۲
حکمت ۱۷۵	شجاعت (مقابله با ترس)	۲	۹	۱۸
خطبه ۸۳	شکر گذار بودن (بر شمردن نعمت ها)	۵	۹	۴۵
حکمت ۹۴	شکر گذار بودن (حمد و شکر گذاری به درگاه خداوند)	۱	۹	۹
حکمت ۴	صبر	۴	۱۰	۴۰
حکمت ۴۱۳	صبر	۲	۱۰	۲۰
حکمت ۴۱۴	صبر	۲	۱۰	۲۰
خطبه ۷۶	صبر (استقامت کردن برای نجات)	۱	۱۰	۱۰
خطبه ۵۶	صبر (آموزش صبر و ثابت قدم بودن)	۱	۱۰	۱۰
نامه ۳۱	صبر (شکیبایی در برابر مشکلات)	۶	۱۰	۶۰
حکمت ۲۱۳	صبر (صبر بر سختی ها)	۱	۱۰	۱۰
حکمت ۹۴	صبر (صبر و بردباری)	۱	۱۰	۱۰
خطبه ۸۶	صبر (صبر و بردباری)	۱	۱۰	۱۰
نامه ۳۱	صداقت	۲	۱۰	۲۰
خطبه ۱۹۲	صداقت (پرهیز از دروغ گویی)	۱	۱۰	۱۰
حکمت ۸۳	صداقت (صداقت در گفتار)	۱	۱۰	۱۰

۱۰	۱۰	۱	صداقت (صداقت و راست گویی)	حکمت ۳۸
۷	۷	۱	عبرت از گذشتگان	حکمت ۲۰۸
۷	۷	۱	عبرت از گذشتگان	خطبه ۱۷۶
۷۷	۷	۱۱	عبرت از گذشتگان	خطبه ۸۳
۲۱	۷	۳	عبرت از گذشتگان	نامه ۳۱
۷	۷	۱	عبرت از گذشتگان (تجربه از حوادث روزگار)	خطبه ۱۷۶
۳۵	۷	۵	عبرت از گذشتگان (عبرت از کردار و تاریخ پیشینیان)	نامه ۳۱
۱۰	۱۰	۱	عمل‌گرایی	حکمت ۲۰۸
۳۰	۱۰	۳	عمل‌گرایی	حکمت ۲۱۰
۲۰	۱۰	۲	عمل‌گرایی	حکمت ۲۷۳
۴۰	۱۰	۴	عمل‌گرایی	حکمت ۲۷۴
۱۰	۱۰	۱	عمل‌گرایی	حکمت ۲۷۸
۱۰	۱۰	۱	عمل‌گرایی	حکمت ۳۳۷
۱۰	۱۰	۱	عمل‌گرایی	حکمت ۳۸۴
۳۰	۱۰	۳	عمل‌گرایی	حکمت ۴۳
۱۰	۱۰	۱	عمل‌گرایی	حکمت ۹۲
۱۰	۱۰	۱	عمل‌گرایی	حکمت ۹۴
۴۰	۱۰	۴	عمل‌گرایی	حکمت ۹۸
۲۰	۱۰	۲	عمل‌گرایی	نامه ۳۱
۴۰	۱۰	۴	عمل‌گرایی (ادعای واهی و بدون عمل)	خطبه ۲۹
۱۰۰	۱۰	۱۰	عمل‌گرایی (اعتقاد و عمل به حلال و حرام)	خطبه ۱۷۶
۱۰	۱۰	۱	عمل‌گرایی (اعمال نیکو)	خطبه ۷۸
۴۰	۱۰	۴	عمل‌گرایی (افعلوا الخیر)	حکمت ۴۲۲
۳۰	۱۰	۳	عمل‌گرایی (انجام عمل نیکو)	خطبه ۸۶
۱۰	۱۰	۱	عمل‌گرایی (انجام واجبات)	نامه ۳۱
۲۰	۱۰	۲	عمل‌گرایی (پرهیز از گناهان)	خطبه ۷۶

خطبه ۱۸۰	عمل‌گرایی (پیروی و فرمان‌برداری)	۲	۱۰	۲۰
خطبه ۷۶	عمل‌گرایی (ترس از گناهان)	۲	۱۰	۲۰
حکمت ۸۹	عمل‌گرایی (دین‌داری)	۲	۱۰	۲۰
خطبه ۲۹	عمل‌گرایی (سستی در عمل)	۴	۱۰	۴۰
خطبه ۷۶	عمل‌گرایی (عمل نیکو)	۲	۱۰	۲۰
خطبه ۲۹	عمل‌گرایی (غیرقابل اعتماد بودن)	۷	۱۰	۷۰
خطبه ۹۰	عمل‌گرایی (فرمان‌برداری و اطاعت)	۱	۱۰	۱۰
خطبه ۸۶	فراگیری قرآن (حفظ قرآن)	۱	۹	۹
خطبه ۱۸۰	فراگیری قرآن (آموزش کتاب خدا و حق و درستی)	۴	۹	۳۶
حکمت ۳۹۹	فراگیری قرآن (یعلمه القرآن: آموزش دادن قرآن)	۱	۹	۹
حکمت ۶۰	کنترل زبان	۱	۷	۷
حکمت ۳۸۲	کنترل زبان (بجا سخن گفتن)	۲	۷	۱۴
حکمت ۸۳	کنترل زبان (پرهیز از چاپلوسی)	۱	۷	۷
خطبه ۷۸	کنترل زبان (دوری از آزدن زبانی دیگران)	۲	۷	۱۴
حکمت ۶۰	کنترل زبان (زبان تربیت نشده)	۱	۷	۷
نامه ۲۳	گذشت و بخشش (تشویق به عفو)	۴	۹	۳۶
نامه ۲۹	گذشت و بخشش (عفو مخالفان)	۴	۹	۳۶
نامه ۲۸	گمراهی (التَّیَّه)	۱	۸	۸
نامه ۲۸	گمراهی (الرَّوَّاع: بسیار منحرف شونده)	۱	۸	۸
خطبه ۹۰	محاسبه و مراقبه (سنجش و حسابرسی اعمال)	۴	۸	۳۲
خطبه ۷۸	محاسبه و مراقبه (طرد خواهش‌های نفسانی)	۱	۸	۸
نامه ۳۱	محاسبه و مراقبه (عدم تسلیم در برابر گمراهی)	۱	۸	۸
خطبه ۷۶	محاسبه و مراقبه (مراقبت از خویش)	۲	۸	۱۶

۴۵	۹	۵	مردم‌داری	حکمت ۲۸۹
۹	۹	۱	مردم‌داری	حکمت ۴۱۲
۹	۹	۱	مردم‌داری (امتحان کردن افراد)	حکمت ۳۸۴
۵۴	۹	۶	مردم‌داری (تبیین وظایف در قبال اجتماع)	نامه ۳۱
۴۵	۹	۵	مردم‌داری (تلاش جهت اصلاح دیگران)	نامه ۲۸
۹	۹	۱	مردم‌داری (حفظ دوستی)	حکمت ۶۵
۱۸	۹	۲	مردم‌داری (دوست‌یابی)	حکمت ۱۲
۳۶	۹	۴	مردم‌داری (دوست‌یابی)	حکمت ۴۵۱
۲۷	۹	۳	مردم‌داری (رعایت حقوق والدین و استاد)	حکمت ۴۱۱
۱۸	۹	۲	مردم‌داری (رعایت حقوق والدین)	حکمت ۳۹۹
۹	۹	۱	مردم‌داری (رفع نیاز دیگران)	حکمت ۲۵۷
۲۷	۹	۳	مردم‌داری (شاد کردن دیگران)	حکمت ۲۵۷
۱۰	۱۰	۱	مشورت (کالمشاوره)	حکمت ۵۴
۲۰	۱۰	۲	موعظه	نامه ۳۱
۱۰	۱۰	۱	موعظه (پند گرفتن شنیداری)	خطبه ۸۳
۱۰	۱۰	۱	موعظه (خوب شنیدن و فراگرفتن سخن حکیمانه)	خطبه ۷۶
۱۰	۱۰	۱	موعظه (واعظ و تربیت نفس)	حکمت ۸۹
۲۰	۱۰	۲	نقض پیمان	نامه ۲۹
۱۶	۸	۲	هدایت‌پذیری	خطبه ۱۸۰
۸	۸	۱	هدایت‌پذیری (پذیرفتن هدایت)	خطبه ۷۶
۸	۸	۱	هدایت‌پذیری (دست به دامن هدایت‌کننده شدن)	خطبه ۷۶

۲-۴- توصیف یافته‌ها

داده‌های احصاء شده در جداول بالا که با تحلیل کمی صورت گرفته با بررسی تشابه مفاهیم در آن‌ها تحلیل کیفی صورت گرفته است که نتایج آن در جدول زیر جمع‌بندی نهایی می‌شود:

ردیف	مفاهیم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	عمل‌گرایی	۶۹	۱۰	۶۹۰
۲	تربیت	۴۷	۱۰	۴۷۰
۳	مردم‌داری	۳۴	۹	۳۰۶
۴	زهد	۳۲	۸	۲۵۶
۵	آخرت‌گرایی	۲۵	۹	۲۲۵
۶	جهاد	۱۹	۱۰	۱۹۰
۷	صبر	۱۹	۱۰	۱۹۰
۸	عبرت از گذشتگان	۲۲	۷	۱۵۴
۹	اتکا به خداوند	۱۶	۸	۱۲۸
۱۰	اعتقاد قبلی	۱۲	۱۰	۱۲۰
۱۱	محبت اهل‌بیت	۱۷	۷	۱۱۹
۱۲	تظاهر کردن	۱۱	۱۰	۱۱۰
۱۳	رفتار عاقلانه	۱۲	۸	۹۶
۱۴	گذشت و بخشش	۸	۹	۷۲
۱۵	رازداری	۷	۱۰	۷۰
۱۶	محاسبه و مراقبه	۸	۸	۶۴
۱۷	شناخت دشمنان اهل‌بیت	۹	۷	۶۳
۱۸	خداترسی	۷	۹	۶۳
۱۹	خوش اخلاقی	۶	۱۰	۶۰
۲۰	شکر گذار بودن	۶	۹	۵۴
۲۱	فراگیری قرآن	۶	۹	۵۴
۲۲	صداقت	۵	۱۰	۵۰
۲۳	موعظه	۵	۱۰	۵۰

۲۴	کنترل زبان	۷	۷	۴۹
۲۵	هدایت‌پذیری	۴	۸	۳۲
۲۶	تعلیم	۳	۸	۲۴
۲۷	نقض پیمان	۲	۱۰	۲۰
۲۸	شجاعت	۲	۹	۱۸
۲۹	ادب	۲	۸	۱۶
۳۰	گمراهی	۲	۸	۱۶
۳۱	الگو داشتن	۱	۱۰	۱۰
۳۲	مشورت (کالمشاوره)	۱	۱۰	۱۰
۳۳	جبران خطا	۱	۹	۹
۳۴	تشویق	۱	۸	۸
۳۵	تنبيه	۱	۸	۸

باتوجه‌به تحلیل کمی و کیفی صورت گرفته از مؤلفه‌های مطرح‌شده در نهج‌البلاغه با نگاه تربیتی موردنظر شاخصه‌های زیر بیشترین اثر و کاربرد را دارند که به ترتیب اولویت بیان می‌گردند:

- ۱- عمل‌گرایی
- ۲- تربیت
- ۳- مردم‌داری
- ۴- زهد
- ۵- آخرت‌گرایی
- ۶- جهاد
- ۷- صبر
- ۸- عبرت از گذشتگان
- ۹- اتکا به خداوند
- ۱۰- اعتقاد قبلی

- ۱۱- محبت اهل بیت
- ۱۲- تظاهر کردن
- ۱۳- رفتار عاقلانه
- ۱۴- گذشت و بخشش
- ۱۵- رازداری
- ۱۶- محاسبه و مراقبه
- ۱۷- شناخت دشمنان اهل بیت
- ۱۸- خداترسی
- ۱۹- خوش اخلاقی
- ۲۰- شکرگذار بودن
- ۲۱- فراگیری قرآن
- ۲۲- صداقت
- ۲۳- موعظه
- ۲۴- کنترل زبان
- ۲۵- هدایت پذیری
- ۲۶- تعلیم
- ۲۷- نقض پیمان
- ۲۸- شجاعت
- ۲۹- ادب
- ۳۰- گمراهی
- ۳۱- الگو داشتن
- ۳۲- مشورت
- ۳۳- جبران خطا

۳۴- تشویق

۳۵- تنبیه

سؤال فرعی نخست: الگوی تربیت دینی برگرفته شده از آموزه‌های نهج البلاغه که در

تربیت فردی

شاخص‌ها:

- ۱- عمل‌گرایی
- ۲- تربیت
- ۳- مردم‌داری
- ۴- زهد
- ۵- آخرت‌گرایی
- ۶- صبر
- ۷- عبرت از گذشتگان
- ۸- اتکا به خداوند
- ۹- اعتقاد قبلی
- ۱۰- محبت اهل بیت
- ۱۱- تظاهر کردن
- ۱۲- رفتار عاقلانه
- ۱۳- گذشت و بخشش
- ۱۴- رازداری
- ۱۵- محاسبه و مراقبه
- ۱۶- شناخت دشمنان اهل بیت
- ۱۷- خدا ترسی
- ۱۸- خوش اخلاقی
- ۱۹- شکرگذار بودن
- ۲۰- فراگیری قرآن

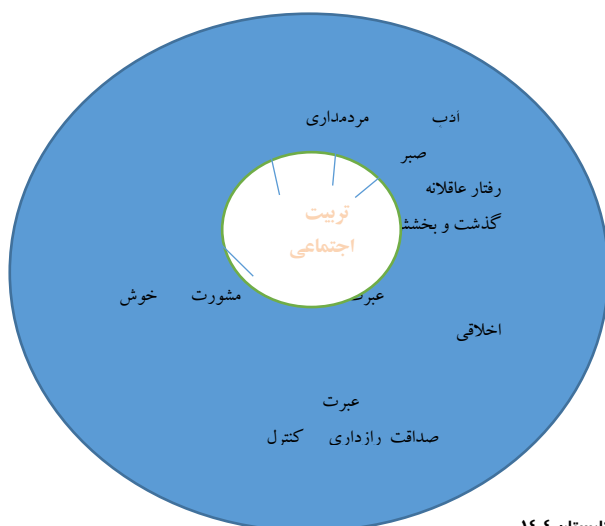
خوش اخلاقی خدا ترسی -
شکر گذاری - فراگیری قرآن - صداقت - موعظه -
کنترل زبان
هدایت پذیری - تعلیم - نقش پیمان - شجاعت - ادب -
گمراهی
الگو داشتن - مشورت -
جبران خطا -

مردم‌داری - زهد - آخرت‌گرایی - صبر -
عبرت از گذشتگان - اتکا به خداوند - اعتقاد
قبلی - محبت اهل بیت - تظاهر کردن
رفتار عاقلانه - گذشت و بخشش
رازداری - محاسبه و مراقبه
شناخت دشمنان اهل بیت - خدا ترسی
خوش اخلاقی - شکرگذار بودن
فراگیری قرآن

تربیت
فردی

- ۲۱- صداقت
- ۲۲- موعظه
- ۲۳- کنترل زبان
- ۲۴- هدایت‌پذیری
- ۲۵- تعلیم
- ۲۶- نقض پیمان
- ۲۷- شجاعت
- ۲۸- ادب
- ۲۹- گمراهی
- ۳۰- الگو داشتن
- ۳۱- مشورت
- ۳۲- جبران خطا
- ۳۳- تشویق
- تنبيه

سؤال فرعی دوم: الگوی تربیت دینی برگرفته‌شده از آموزه‌های نهج‌البلاغه که در



تربیت اجتماعی

شاخص‌ها:

- ۱- مردم‌داری
- ۲- زهد
- ۳- صبر
- ۴- عبرت از گذشتگان
- ۵- رفتار عاقلانه
- ۶- گذشت و بخشش

۷- رازداری

۸- خوش اخلاقی

۹- صداقت

۱۰- کنترل زبان

۱۱- ادب

۱۲- مشورت

۵- نتیجه گیری

باتوجه به مباحث مطرح شده نتیجه گیری می شود که هر نظام تربیتی نیازمند مبانی، اصول، اهداف و روش های تربیتی است لذا یکی از گام های اساسی در نظام تعلیم و تربیت، تعیین روش های تربیتی آن است این امر باتوجه به ارزش های دینی حاکم بر جامعه ما به خصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضرورت دوچندان می یابد. روش های تربیتی می بایست مبتنی بر آموزه های اسلامی و منابع بسیار غنی آن باشد. برای تحقق این امر فرمایشات و سیره امیر مؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه که سرچشمه وحی دارد، یکی از منابع غنی اسلامی است و در نظام تربیتی اسلام جایگاه ویژه ای دارد و غنی بخش تعلیم و تربیت اسلامی ما است که می تواند نظام تربیتی ما را در ارائه روش های تعلیم و تربیت اسلامی یاری نماید.

فهرست منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) نهج‌البلاغه
- (۳) انوری حسن (۱۳۸۲) فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۱ تا ۸، تهران: انتشارات سخن
- (۴) نوروزی محمدتقی (۱۳۸۵) فرهنگ دفاعی - امنیتی، تهران: انتشارات سنا
- (۵) امام خمینی سید روح‌الله (۱۳۹۹) صحیفه نور جلد ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- (۶) مجلسی محمدباقر (۱۴۰۳ ق) بحارالانوار جلد ۲، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی
- (۷) جوادی آملی عبدالله (۱۳۹۲) شریعت در آینه معرفت، قم: انتشارات اسرا
- (۸) مطهری مرتضی (۱۳۹۷) مجموعه آثار، ج ۲۲، قم: انتشارات صدرا
- (۹) مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۵) پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- (۱۰) باهنر، محمدجواد (۱۳۶۱) معارف اسلامی، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی
- (۱۱) مرادی حسین و همکاران (۱۳۹۳) نقش مربی در تربیت اخلاق - معنوی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- (۱۲) ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۳) تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع)، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- (۱۳) ارموی سراج‌الدین محمود (۱۳۵۱) لطائف الحکمه، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- (۱۴) زبیدی محمد مرتضی دراسه و تحقیق: علی شیر (۱۹۹۴ م - ۱۴۱۴ ق) تاج العروس من جواهر القاموس جلد ۶، بیروت: دارالفکر
- (۱۵) غزالی ابو حامد (۱۳۵۲) کیمیای سعادت جلد ۱، تهران: انتشارات مرکزی

- ۱۶) الفراهیدی خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ق) ترتیب کتاب العین جلد ۱، قم: انتشارات اسوه
- ۱۷) ابن مسکویه ابوعلی احمد (بی تا) (۱۴۱۱ ق) تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق جلد ۳، قم: بیدار
- ۱۸) حاجی بابائیان امیری محسن (۱۳۹۱) روش های تربیتی اخلاقی کاربردی در اسلام، تهران: سروش
- ۱۹) سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۵۴) مربی نمونه: تفسیر سوره لقمان، قم: دارالتبلیغ اسلامی
- ۲۰) شهرستانی، هبه الدین، ترجمه عباس میرزاده اهری (۱۳۷۸) در پیرامون نهج البلاغه، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۲۱) نرم افزار دانشنامه علوی نسخه ۲، شرکت نرم افزاری نور